

علاج دردها و مشکلات کشور در پیشرفت علمی است

سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و
اعضای هیئت علمی دانشگاهها

(۱۳۸۵/۷/۱۳)

اشاره

در دیدار جمع کثیری از اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های سراسر کشور با رهبر معظم انقلاب، که بیش از ۳ ساعت به طول انجامید ۱۵ تن از اساتید دانشگاه‌های خود را درباره مسائل مختلف علمی و دانشگاهی بیان کردند. رهبر انقلاب در ابتدا و قبل از طرح نظرات اساتید، ضمن خوشامدگویی انبار کردند که میلی دارند بیشتر، «مشونده» نظرات اساتید که از طریق رسانه ملی به افلاخ عموم رسیده می‌شود، باشد. با هم مشروح سخنان رهبر انقلاب را در این دیدار می‌خوانیم.

○ ○ ○

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برادران و خواهران عزیز، استادان محترم و اعضای هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها، خیلی خوش آمدید.

مقصود اصلی از این جلسه که چند سالی است هر سال ما این را داریم، دو چیز است؛ اگر چه مقاصد دیگری هم ممکن است در کنار این دو چیز بر این محفل دوستانه و صمیمی مترتب بشود. اول از آن دو چیز، اعلام احترام به مقام استاد و مقام علمی شخصیت‌های علمی کشور است. ما خواستیم با این نشست، با این فرصت نسبتاً وسیع چند ساعته‌ای که هر سال اینجا گذاشته می‌شود و میدانی که اساتید

محترم پیدا می‌کنند تا نظرات خودشان را در بک تریبون عمومی و سراسری - که بخش خواهد شد - بیان کنند، تکریم خودمان را نسبت به اساتید محترم اعلام بکنیم و نشان دهیم. و این به نظر ما، یک هدف مهمی است. اگر ما از عالم تکریم کردیم، علم تکریم خواهد شد و اگر علم تکریم شده، رشد و رواج و گسترش خواهد یافت؛ و ما برای آینده کشورمان، به این احتیاج داریم.

هدف دوم این است که در یک جلسه دوستانه و صمیمی، دور از رسمیتهای سمناری و تقداتی که معمولاً وجود دارد، جمعی از زندگان و فرزندان و مطّلعان امور دانشگاه و علم کشور، عمده‌ترین مسائل دانشگاهها را اینجا مطرح کنند؛ البته مسائل مربوط به جنبه‌های علمی دانشگاه و آن چیزهایی که به اساتید، بیشتر مرتبط می‌شود، تا فضای این جلسه و فضای ذهن مسئولان علمی کشور و به تبع آن، فضای عمومی کشور با مهمترین مسائل دانشگاهها و نیازهای آنها و آینده‌نگری‌هایی که در این زمینه می‌شود کرد، آشنا بشود. ما هر سال که این جلسه را داشته‌ایم، من خودم شخصاً از بیانات دوستانی که اینجا صحبت کردند، بهره‌مند شدم و استفاده کردم؛ نکات خوبی برای من روشن شده و به دنبال آن، اقدامات مناسبی و خوبی هم صورت گرفته است. هیچ شک نکنید که ما در این ده، دوازده سال اخیر، یک حرکت نوری را در زمینه پیشرفت علم، رشد علم، رشد تحقیق و تنوع و نوآوری‌های گوناگون آن، داریم در کشورمان تجربه می‌کنیم؛ اگرچه از اول انقلاب این حرکت آغاز شده، اما در این سال‌های اخیر، رشد بیشتر و بهتری داشته است؛ لکن اینها هنوز گام‌های بسیار اولی و ابتدایی است. لذا ما همچنان به نظرات، پیشنهادها و نکته‌بینی‌های شما برای پیشرفت علم در کشور نیاز داریم. در این جلسه، بخشی از این نیاز ان‌شاءالله بر آورده خواهد شد.

حالا من آماده هستم. هدف، اظهارات من نیست؛ من در این جلسه مایلم بیشتر شنونده باشم. اگر وقتی در آخر باقی ماند، چند جمله‌ای هم عرض خواهم کرد؛ اما عمده ترجیح می‌دهم که من در این جلسه بشنوم.

○ زبان تشویق

مطالعی که شنیدیم به نظر من مطالب مفید و متنوعی بوده؛ ممکن است بعضی از دوستان، بخشی از این مطالب را تصدیق نکنند، لکن طرح این موضوعات در این جلسه یقیناً مفید بوده؛ ذهن ما و ذهن مسئولان و دست‌اندرکاران را باز می‌کند و بیش از پیش به جوانب و آفاق مختلف در زمینه مسائل دانشگاهی متوجه می‌کند. آنچه که من در این مجال کوتاه عرض می‌کنم، دو، سه مطلب و نکته کوتاه است:

یکی این است که ما وقتی می‌خواهیم درباره نیازهای کنونی جامعه دانشگاهی و محیط دانشگاهی

و علم حرف بزینم، از دو دیدگاه، با دو زبان می‌توانیم حرف بزینم؛ یک زبان، زبان تشویق‌کننده و به حرکت درآورنده، و یک زبان، زبان مایوس‌کننده و دلسردکننده است. من خواهشم این است که اساتید محترم، مسئولان محترم در همه جا - سرکلاس، در مجامع علمی و در بیان‌گزارشها - آن زبان اول را به کار بگیرند، نه زبان دوم را. ما سرعت پیشرفتمان در این چند سال اخیر - طبق آمارهایی که بنده در اختیار دارم و به من ارائه داده‌اند - در دنیا، درجه اول است. من اخیراً مراجعه نکرده‌ام؛ اما این آمار را حدود یک ماه‌و نیم پیش دیده‌ام؛ آمار حساب شده‌ای است و دقیق و درست است. سرعت پیشرفت علمی کشور ما در سطح دنیا در درجه اول است، نه در سطح منطقه. لکن آنگاه که بالفعل دست ما را گرفته و آن نقطه‌ای که بالفعل در آن قرار داریم، چندان راضی‌کننده نیست. این هر دو واقعیت، باید در کنار هم دیده شود. هر دو درست است؛ هم اینکه ما الان کمبودهای زیادی داریم، جایگاهی که ایستاده‌ایم، جایگاهی نیست که ما را به عنوان یک عنصر ایرانی و مسلمان، و دارای نگاههای بلند به افقهای دور راضی بکند و هم اینکه در عین حال حرکتی که ما کرده‌ایم، این حرکت، حرکت بسیار خوب و پرشانی بوده است؛ این شتاب را باید نگذاریم کم شود. البته باید بیشترش هم بکنیم.

○ باور به توانستن

من حدود یک سال‌و نیم پیش در یک مجمع علمی - شبیه همین مجموعه شما، که جوانها و دانشجویها و زبده‌ها و اینها بودند - گفتیم من انتظارم این است که ما پنجاه سال دیگر (نمی‌گویم ده سال، پانزده سال دیگر در دنیا و در سطح عالم، حرف اول علمی را بزینم؛ یعنی مرزهای علم را ما تعیین کنیم. کار به جایی برسد که زبان ما - که زبان فارسی است - در دنیا زبان علم شود. این، آن افقی است که جلوی چشم من است. برای اینکه به این نقطه برسیم، اولاً باید باور کنیم که این می‌شود. اگر شما که استادید، آن آقا که دانشجویست و آن شخص سومی که مدیر و در رأس تشکیلات است، باور نداشته باشد که این کار عملی است، بدآئید قطعاً نخواهیم رسید. باید «باور» کنیم.

من حرفم این است: من می‌گویم زمینه‌های این باور موجود است. اولاً استعداد ما ایرانی‌ها در زمینه‌های علمی، در دنیا اثبات شده است؛ از طرق مختلف، این معنا تحقیق و بررسی شده است و از نظر من، قطعی است. در پیشرفته‌ترین دانشگاه‌های دنیا، عنصر ایرانی از متوسط استعدادهایی که در آن دانشگاه بوده، سطحش بالاتر است؛ یعنی متوسط استعداد ایرانی از متوسط استعداد جهانی، سطحش بالاتر است. هم زمینه‌های طبیعی کشور، این را نشان می‌دهد. ما در جای خوبی از دنیا قرار داریم، از جمعیت خوبی برخورداریم، با سطح جغرافیایی خوبی قرار داریم و با این نستی که ما از لحاظ جمعیت و سطح ارضی جغرافیایی نسبت به کل بشریت و کل عالم داریم، امکاناتمان بالاست و کشور فقیری

نیستیم. من یک وقتی آمار اینها را در همین سخنرانی‌های عمومی گفته‌ام و بخش شده، نمی‌خواهم تکرار کنم. ما تقریباً یک صدم جمعیت دنیا را داریم و یک صدم وسعت ارضی کره زمین را هم داریم؛ آن وقت ذخایر ما در زمینه‌های مهمترین عناصر تشکیل دهنده و پیش‌برنده تمدن کنونی دنیا - یعنی فولاد، مس و چند عنصر دیگر - بیش از یک درصد است؛ سه درصد، چهار درصد، پنج درصد؛ به نفت یا گاز که می‌رسیم، ناگهان رشد جهشی‌ای هم مشاهده می‌کنیم. استعداد انسانی هست، استعداد طبیعی هست و تجربه کارکرد هم هست. ما نگاه می‌کنیم هر جایی که تلاش کردیم، زحمت کشیدیم و یک توجهی نشان دادیم، پیش رفیقیم. خوب حالا آقای دکتر مرندی! رتبه‌ها و دردها و غصه‌ها و نگرانی‌های سه، چهار سال اول انقلاب در زمینه کمبود پزشک، کمبود استاد دانشگاه و کمبود فضای آموزشی دانشگاه و آموزش و پرورش را بیان کردند؛ یک داستانی است، که آن روزها از مشاهده این کمبودها، چه پر ماها می‌گذشت! برای جراحی قلب، هفت، هشت سال در این کشور وقت داده می‌شد. یک نفر می‌خواست مثلاً پرود قلبش را عمل جراحی کند، درجه‌اش را عوض کند، یا عمل پیوند رگ و غیره انجام دهد، بایستی هشت سال منتظر می‌ماند! این سال بیست سال پیش است. خیلی‌ها هم می‌مردند. ما امروز وقتی به آن گذشته نگاه می‌کنیم، می‌بینیم حرکت کشور در این زمینه‌ها، یک حرکت غیرقابل تصویری است؛ حرکت، خیلی خوب بوده. کار کردیم، نتیجه‌اش را هم داریم مشاهده می‌کنیم. همین رویان^۱ که آقای دکتر گزرازی گزارش دادند - و این ماجرای سلولهای بنیادی که اینها با امکانات کم توانستند به آن دست پیدا کنند و پیشرفتی که در این زمینه کرده‌اند و در این سمیناری که دو سال قبل در اینجا تشکیل شد و دانشمندان دنیا، آمدند و با آنها مصاحبه شد و گواهی و اظهار شگفتی کردند؛ اینها یک داستانهایی است که واقعاً جا دارد به عنوان مایه‌های افتخار، جلو چشم ما باشد. ما شخصیهایی از قبیل مرحوم دکتر کاظم آشتیانی^۲ که حالا من مقدم از این جوان پاکبخت مؤمن فاضل کارآمد و مدیر حقیقتاً انقلابی و مؤمن اسم بی‌اروم - داریم و الان هم در کشور فراوان هستند و در بخشهای مختلف دارند کار می‌کنند؛ و کارهای خوبی هم انجام گرفته است. وضع دانشگاه‌های ما امروز، با بیست،

۱- وزیر اسبق وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۲- پژوهشگر و روان، در سال ۱۳۱۰ به عنوان مرکز جراحی محمود با هدف درمان، پژوهش و آموزش خباروری، افتتاح گردید و در سال ۱۳۱۷ مجوز مرکز تحقیقات علوم سلولی را از شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دریافت نمود این پژوهشگر، فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی و نیز درمانی خود را در قالب شش گروه پژوهشی «عین‌شناسی»، «نباروری مردان»، «نباروری زنان»، «ژنتیک تولید مثل»، «اپیدمیولوژی» و «بهداشت نباروری» و نیز «سلولهای بنیادی» (پایخته‌ها) انجام داد.

۳- رئیس قبه و نوابشگر دانشگاه و روان

بیست و پنج سال قبل قابل مقایسه نیست؛ پیشرفتهایمان خیلی خوب است.

○ بحث مقایسه‌ای آمارها

البته من یک اشاره‌ای بکنم به آن آمارهایی که گفتیم تحلیل لازم دارد و آنچه که آقای دکتر ملک‌زاده گفتند. ببینید این معیارها و ملاکها، و عناصر نمره‌دار برای اینکه یک دانشگاهی نمره یابورد یا نیاورد، همه‌اش عناصر علمی نیست؛ گاهی یک عنصری است که شما اصلاً قبولش ندارید؛ من نمی‌خواهم حالا تصریح کنم. بنده این عناصر تشکیل دهنده و نمره‌آور را برای اینکه یک دانشگاه در آمارهای جهانی نمره یابورد، دیدم؛ بعضی از اینها را شما قبول ندارید. اگر زمان وزارت آقای دکتر ملک‌زاده یا آقای دکتر مرندی یا آقای دکتر فاضل یا دیگران بنا بود که این معیارها اقدام بشود، خود این وزرا حاضر نبودند با فرهنگ اسلامی و ایرانی ما قبول کنند. یک مقداریش هم البته مسائل علمی است. شکی نیست که ما در آغاز کاریم؛ من اول هم گفتم، قدمهای اولیم. باید این قدمها را بی‌دری برداریم، باید پیش برویم و باید باور کنیم که «می‌تونیم». من حرفم این است. شما با این باور و با این نگاه همراه با اذعان و قبول قابلیت این جوانهای مؤمن ما و پیشرفتی که کرده‌اند، کمبودها را یکی یکی بشمرید؛ هیچ اشکالی ندارد. این ما را تشویق خواهد کرد به این که این کمبودها را کم کنیم و روزی روز پیش برویم. جوانی هم که از شما این را می‌شود، همچنین تشویق خواهد شد به اینکه پیش برود و شوق و امید پیشرفت در دل او بیشتر خواهد شد؛ برخلاف اینکه ما نگاهمان، «نگاه منفی» باشد، نگاه مایوس‌کننده باشد، که این را من قبول ندارم.

○ شجاعت علمی

نکته دوم و به نظر من نکته اساسی. شما آقایان و خانمهایی که اینجا تشریف دارید، گزیده و نمونه‌ای هستید از اساتید کشور. آنچه که اساتید ما برای پیشرفت علم، وجهه همت خودشان باید قرار بدهند، اولاً «شجاعت علمی» در همه بخشهاست؛ هم در بخشهای علوم انسانی، هم در بخشهای علوم تجربی، هم در بخشهای نزدیک به عمل و فناوری، و هم در بخشهای علوم پایه. نظریه را دنبال کنند، تولید کنند، خلق کنند، ابداع کنند، نقد کنند؛ چشم بسته و تقلیدی نباید کار را دنبال کرد. مشکل ما در گذشته همیشه این بوده که در زمینه‌های مختلف - در همه زمینه‌های علمی - چشم بسته و تقلیدی نگاه کردیم که ببینیم غریبها چه می‌گویند. درست است که غریبها حداقل دو قرن، دو قرن و نیم از ما در حرکت علمی جلوتر بودند و به مناطق خیلی عجیب و باورنکردنی‌ای هم رسیدند؛ در این تردیدی نیست. ما هم عقب ماندیم؛ با همه افتخارات گذشته‌مان، به خاطر تنبلی‌ها و سوء سیاست‌ها؛ در این

تردیدى نیست. اما من قبلاً هم گفته‌ام، ما از شاگردى کردن پیش‌کسى که بلد است، ننگمان نمى‌آید؛ ولى مى‌گویم نباید فکر کنیم که ما همیشه باید «شاگرد» بمانیم. معنای این نگاه تقلیدى، این است: ما همیشه باید شاگرد بمانیم. نوآورى لازم است. اعتماد به نفس شخصى و اعتماد به نفس ملی در اساتید ما، یک ضرورت است. اولاً، استاد ما شخصاً «اعتماد به نفس» داشته باشد و کار علمى بکند. به آن کار علمى‌اش نکیه بکنند و افتخار کنند. ثانياً، اعتماد به نفس ملی داشته باشد. به قابلیت و توانیهای این ملت اعتماد داشته باشد. اگر این معیار در یک استاد وجود داشته باشد، این سرریز خواهد شد در محیط درس، در کلاس درس، در انتقال به دانشجو و تأثیر تربیتى خودش را خواهد گذاشت. و ثالثاً پرکارى؛ ما یک مقدارى از ناحیه کم‌کارهایمان و تبلیهایمان - در بخش‌ها و سطوح مختلف - ضربه خوردیم. باید کارکرد و از کار نباید خسته شد. بنابراین نوآورى و ابتکار، شجاعت علمى، اعتماد به نفس شخصى و ملی و کار متراکم و انبوه، علاج کار پیشرفت علمى ماست. مخاطب این هم اساتید دانشگاهند.

○ خط شکنى علمى

نکته سوم این است که - این شاید دنباله آن مطلب قبلى باشد - بنده از چند سال قبل از این، مسئله «تولید علم» و «نهضت علمى» و خط شکنى علمى را مطرح و درخواست کردم. امروز خوشبختانه این به یک خواست عمومى در محیطهای دانشجویى و علمى تبدیل شده است. مى‌بینیم بارها از زبان دانشجویها و اساتید تکرار مى‌شود. ما هم با پیشرفتهایی که در زمینه‌های مختلف علمى و فناوری داشته‌ایم - که خوب، خیلی‌هايش هم آشکار است و در تبلیغات آمده؛ مثل مسائل مربوط به انرژی هسته‌ای و غیره؛ خیلی‌هايش هم نیامده؛ یعنی واقعاً کارهای نیمه کاره‌ای است که در جهت کاملتر شدن و کامل شدن هست، و ما در کشور زیاد داریم - به این چیزها افتخار مى‌کنیم. و همین‌طوری که گفتیم، نگاهمان نگاه امیدوارانه است و به عنوان اینکه «امامى توایم».

اما یک نکته را باید بگویم: خط شکنى علمى و عبور از مرزهای علم همچنان در کشور ما، «جدى» نشده است. ما مى‌خواهیم علما و دانشمندان ما، راههای میانبر را پیدا کنند؛ راهها کشف نشده را از این بینهایت مسیرهایی که در عالم طبیعت وجود دارد و بشر باید یکى پس از دیگری کشف بکنند. ما مى‌خواهیم راههای کشف نشده را کشف بکنیم. این که مى‌توانیم فلان ابزار فناوری را، فرض کنید «ساترنیور» را برای کار هسته‌ای، که دیگران قبل از ما، سالها پیش، پیدا کردند و تولید کردند و استفاده و بهره‌برداری کردند، خودمان بسازیم، البته کار بزرگى است که بدون کمک دیگران توانسته‌ایم انجام بدهیم و نسلهای جدید آن را تولید کنیم، در این شکی نیست؛ اما این یک کار بکسر نیست؛ این کار انجام‌شده و راه رفته‌ای است که دیگران رفته‌اند و ما هم که بنا بوده تا پنجاه سال دیگر، تا صد سال دیگر

محروم بمانیم - بنا نبود این فناوری و این دانش به کشوری مثل کشور ما و ملت ما داده بشود - جوانها، دانشمندان و پژوهشگران ما توانسته‌اند با پیگیری و تلاش خودشان به دست آورند و این چیز با ارزشی است؛ اما من می‌گویم در زمینه علم و فناوری، آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است، آن را وجهه همت قرار بدهید و دنبال بکنید؛ این طوری است که ما خط مقدم علم را شکستیم و بک قدم به جلو برداشته‌ایم. آن وقت می‌توانیم این را ادعا بکنیم؛ و این ممکن است. البته برداشتن قدمهای جدید، مستلزم پیمودن راههای رفته شده و طی شده به وسیله دیگران است؛ در این شکی نیست. اما هیچ وقت نباید ذهن را از کاوش و جستجو برای یافتن راههای مابین محروم و ممنوع کرد. ما این را در کشور لازم داریم.

○ اهتمام جدی به تحقیق

یک نکته که در بیانات بعضی از دوستان هم بود - بیان هم کردند و من هم اینجا یادداشت کرده بودم که رویش تکیه بکنم - این است که ما باید تحقیق را، که حَقّاً و بدون شک باید پژوهش و تحقیق مورد توجه و اهتمام بیشتری قرار بگیرد، در کشور اولاً با توجه به نیازهای آن، هدفدار کنیم؛ یعنی بینیم واقعاً کشور به چه احتیاج دارد و پژوهشها را در جهت نیازهای کشور قرار بدهیم، که در خلال بیانات بعضی از دوستان هم روی آن تکیه شده بود و کاملاً هم درست است. و این لازم‌هاش این است که ما بانک اطلاعات و مرکزی داشته باشیم. همه بتوانند بدانند چه لازم است، چه انجام شده است و چه لازم است برای تکمیل یک پژوهش، تا بتواند این قطعات گوناگون در کنار هم جمع بشود. این هم یک نکته ذیل همین نکته است - که باز بعضی از دوستان تذکر دادند و من هم یادداشت کردم - که ما باید نظام اعطای امتیازات علمی را در دانشگاه تطبیق کنیم با این چیزها. و الاً صرف اینکه مثلاً یک مقاله در یک مجله آئی. اس. آئی منتشر کرده یا چه تعداد مقاله منتشر کرده، کافی نیست؛ یعنی محقق و پژوهشگر ما نباید برای کسب رتبه علمی به دنبال این باشد که مقاله‌ای را تهیه و تولید کند که برای کشور هیچ فایده‌ای ندارد و هیچ خلأیی از خلأهای پژوهشی کشور را پر نمی‌کند. بله، آن کسی که آن را در مجله چاپ می‌کند، ممکن است برایش مفید باشد یا برای کس دیگری و جای دیگری مفید باشد؛ اما برای کشور مفید نیست. این کار را می‌کند صرفاً برای اینکه رتبه علمی به دست آورد. این نظام باید به هم بخورد؛ این درست نیست. نظام اعطای امتیازات علمی و آیین نامه‌هایی که در این زمینه هست، باید تطبیق کند با همین مطلب که کدام تحقیق منطبق است با نیاز کشور، و کدام تحقیق، تکمیل‌کننده یک زنجیره تحقیق و پژوهش است. ما گاهی در زمینه‌هایی یک زنجیره‌ای داریم؛ حلقه‌های وسط این زنجیره مفقود است. تأمین این حلقه‌ها خیلی اهمیت خواهد داشت. پس هدفدار کردن تحقیق علمی با توجه به نیازهای کشور و نیازهای صنعت و بقیه بخشهای حیاتی کشور است.

○ افتخار به ایرانی بودن

یکی هم مسئله تربیت دینی دانشجویان است. امروز خوشبختانه در سطح دانشگاههای کشور، ما اساتید مؤمن، مخلص، دارای باورهای عمیق دینی و دارای حس اعتماد به نفس ملی، فراوان داریم. اینها تربیت شده‌های دوران انقلاب هستند که خوشبختانه در سطح دانشگاه، در همه جا، با پایه‌های والای علمی مشغول خدمت هستند؛ که این مایه خرسندی و افتخار است.

تربیت دینی دانشجویان، بایستی یکی از اهداف مجموعه اساتید دانشگاهی کشور باشد. دانشجویان را باید هم متدین و هم دارای باورهای ملی. همان اعتماد به نفس ملی که عرض کردیم - بار آورد. خلاف این را من گاهی از بعضی از دانشگاهها و بعضی از کلاس‌های درس می‌شنوم. اسنادی می‌آید طوری درباره کشور حرف می‌زند که دانشجویان از اینکه ایرانی است، بیزار می‌شود. این بی‌انصافی است؛ این برخلاف مصلحت این جوان و برخلاف مصلحت این نسل عمل کردن است. باید جوان را به هویت ملی و باورهای ملی خودش پایبند کرد؛ طوری که افتخار کند که ایرانی است و افتخار هم دارد. واقعاً افتخار دارد ایرانی بودن؛ آن هم ایرانی که امروز به خاطر مواضع سیاسی‌اش و مواضع بین‌المللی‌اش در دنیای اسلام، عزیزترین است. اگر شما امروز در همه جای دنیای اسلام بروید، نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، عزیزترین ملت در چشم ملتها هستند؛ از شرق دنیای اسلام بگیرید تا غرب دنیای اسلام؛ از آسیا تا آفریقا؛ همه جا همین طور است. خوب، جوان ایرانی به این موقعیتی که دارد، علاوه بر موازین فرهنگی تاریخی‌اش و افتخارات تاریخی‌اش، و علاوه بر استعدادهای موجود کشور - انسانی و طبیعی - چرا دلخوش نباشد؟ چرا او را مایوس کنیم؟ از این چیزها گاهی مشاهده می‌شود که البته برادران و خواهران عزیزی که اینجا تشریف دارید و همچنین بقیه اساتید، این را جزو وظایف خودشان بدانند. احیاء و رشد بخشیدن به هویت اسلامی و دینی و ایرانی جوانان، یکی از مهمترین مسائل ماست و کمک فراوانی هم به پیشرفت کشور می‌کند.

وقت تمام شد. از جلسه امروز بنده خیلی خرسندم. از دوستانی که در بهره‌مندی ما از این مجلس همکاری و کمک کردند، چه شما برادران و خواهرانی که اینجا تشریف آوردید، چه کسانی که صحبت کردند و چه دوستانی که مدیریت جلسه را برعهده داشتند، من از همه‌شان صمیمانه سپاسگزارم و امیدوارم که خداوند برکات و رحمت خودش را در این ماه - بالخصوص - و در همه ایام سال، ان شاء الله بر شما برادران و خواهران عزیز و محیط علم و دانشگاه کشور نازل کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته